

اسلام و دانش

«قسمت نخست»

استاد فویدون سپری
نویسنده و محقق - کرمانشاه

اسلام دین راستین و بهین فرمان آسمانی است که بشر را به تفکر درباره‌ی عظمت خداوند و آیات آفاقی و انفسی در پهنه‌ی خلقت کائنات و جهان آنسویی و اینسویی تشویق می‌کند.

در شناخت سلسله‌ی تعینات هستی، علم به کمک آدمی می‌آید و او را در ادراک معضلات حیات و فهم خصوصیات پدیده‌ها، یاری می‌نماید.

ستارگان، کهکشانها، سحابیها و زمین و هر چه در آنها است قوانین و نوامیسی دارند که موضوعات تبیینی و تحلیلی و تعلیلی نظام شگفت انگیز کائناتند.

از چگونگی خلقت کرات و پیدایش حیات و شناخت اصول و مبانی علمی سیستماتیک جهان و قوانین جاذبه‌ی عمومی و انکسار نور و فوتونها و ذره‌های نوری (طبق نظریه‌ی ماکس پلانگ و نسبیت انشتین) تا اتمها و الکترونها و پروتونها، و میکروباها و ویروسها، همه موضوعهای شناخته و ناشناخته بشرند که قرآن ما را در دو جهت تبیین حقایق آیات آفاقی و انفسی به فراگیری آنها دستور می‌دهد.

قرآن ۷۷۸ بار واژه‌ی علم و مشتقات آن را به کار برده است. و اگر بخواهیم مفاهیم و مضادین علمی قرآن را به دقت بررسی کنیم باید ضمن دسته بندی کردن آیات، به واژه هایی که معنایشان به علم نزدیک یا شبیه است توجه نمائیم.

باید توجه داشت که آنچه از دایره‌ی ادراک و احساس ما بیرون است در دایره‌ی بی پایان علم الهی معلوم و مشخص است، خداوند در قرآن کریم (۴۱ / نور) درباره‌ی تسبیح و نماز مخلوقات خویش چنین می‌گوید: «الم تر ان الله یسبج له من فی السموت و الارض و الطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه و الله علیم بما یفعلون» (ای رسول) آیا ندیدی که هر کس در آسمان و زمین است تا پرنده که در هوا پر می‌گشاید، همه به تسبیح و ثنای خدا مشغولند و همه‌ی آنان نماز و تسبیح خود را می‌دانند و خداوند نسبت به آنچه که انجام دهند، آگاه است.

علم خداوندی است که ما را از راز و نیاز و تسبیحات موجودات آسمان و زمین و پرندگان و اسرار پشت دیوار حس و آنسوی عالم انسانی آگاه می‌نماید و ما نیز باید در یادگیری علوم و آشنا شدن به حقایق و واقعیتهای هستی، کوشش بیشتری کنیم. قرآن به زبان آفرینشی به ما می‌گوید: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق» (۵) - بگو: در زمین سفر کنید و تحقیق کنید و ببینید که خداوند خلقت را چگونه آغاز کرده است -

در این پیام الهی فراگیری علوم زمین شناسی و فسیل شناسی و تحقیق و تتبع درباره‌ی آفرینش انسان و موجودات زمینی و آسمانی سفارش گردیده و در آیات دیگری به چگونگی خلقت اولیه‌ی عالم و کرات آسمانی اشاره شده است.

«اولم یر الذین کفروا ان السموت و الارض کانتا رتقاً ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شی حی افلا یؤمنون» (۶)

- آیا (کافران) ندیدند که آسمانها و زمین بهم پیوسته بودند و آنها را از هم جدا کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم، آیا ایمان نمی‌آورند؟-

قرآن در این آیه به دو موضوع اساسی توجه دارد یکی این که همه‌ی هستی در آغاز به صورت توده‌ی پیوسته‌ی گازی و حرارتی (یا هر نوع دیگری که ما فعلاً از کیفیت آن اطلاع چندانی نداریم) بوده است. و مشیت و اراده‌ی پروردگار آنها را از هم جدا کرده است. دیگر این که همه‌ی جانداران از آب آفریده شده‌اند و برای هر پدیده‌ای، قانونی تقدیر شده

است. (۱)

درک مخصوص بهره‌مندند.

خداوند با زمین و آسمان و پدیده‌های هستی سخن می‌گوید: «و قیل یا ارض ابلعی ماءك و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر» - و به زمین خطاب شد که فوراً آب را فرو برد و به آسمان امر شد که باران را قطع کن و آب (در یک لحظه) خشک شد و حکم الهی انجام یافت -

آنها سخن خداوند را می‌شنوند. نوع استماع آنها را ما به عنوان «انتظام عمومی کائنات» و «قوانین هستی» می‌پذیریم.

بعضی از مفسران و دانشمندان اسلامی نیز تحت عنوان حمایت بی چون و چرا از قرآن و علوم رسمی و ترس از اتهامات مخالفان و معاندان و جلوگیری از اشاعه‌ی افکار مسموم، به توجیه و تطبیق آیات قرآنی می‌پردازند در حالی که ما حق نداریم که نحوه‌ی سخن خداوند با پدیده‌ها را به میل خود یا به خاطر حمایت از علوم رسمی زمان تفسیر و توجیه نماییم.

در زمانی که قرآن به صراحت می‌گفت: «و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شی‌انه خبیر بما تفعلون» - کوهها را می‌بینی، می‌پنداری که جامد و بی حرکتند در حالی که مانند ابر می‌گذرند، همانا او (خدا) نسبت به آنچه انجام می‌دهید آگاه است -

اگر مفسران بزرگ قرآن، آن را به حرکت در روز قیامت تعبیر و تفسیر نمی‌نمودند (در حالی که اتقان و استحکام با نابودی و تلاشی شدن، منافات دارد) این نظریه مهم علمی، به نام اسلام و قرآن ثبت می‌شد، چنانکه دفاع بی چون و چرایش از اصل ثبوت انواع (فیکسیم) و پافشاری آنان در برابر نظریه‌ی تکاملی انواع (ترانسفورمیسیم) بسیاری از حقایق علمی قرآن را که می‌توانست راهگشای جوامع اسلامی و کشورهای غربی باشد، در بوت‌هی فراموشی قرار داد. گرچه دانشمندی چون ویل دورانت در کتاب «مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن» به بسیاری از حقایق فرهنگ اسلامی که بیدارکننده غرب بوده، اشاره کرده است.

قرآن می‌گوید: سلیمان بر جن و انس و پرنندگان حکومت

چنانکه با ترکیب دو ملکول هیدروژن و یک ملکول اکسیژن یک ملکول آب به دست می‌آید که ماده اولیه و اساسی حیات جانداران است. در زبان تقدیر قرآن، همه‌ی موجودات از کمیتها و کیفیتهای مخصوص برخوردارند که با قلم تقدیر الهی، زینت بخش صفحات وجود شده‌اند.

قرآن کرات آسمانی را در آغاز خط آفرینش دودی شکل (یا چیزی شبیه به آن) معرفی می‌نماید. و با فصاحت و بلاغت شگفت‌انگیزی یکی از مهمترین تئوریهای علمی خلقت را چنین بیان می‌کند: «ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و للارض اتتیا طوعاً او کرهاً قالتا اتینا طائعتین» (۲)

- سپس اراده‌ی آفرینش آسمان کرد که دود (گونه و به شکل سحابیها در گستره‌ی فضای بی انتها، پراکنده) بود. به آسمان و زمین فرمود چه بخواهید و چه نخواهید پدید آئید (و شکل گیرید) گفتند: فرمانبردارانه پدید آمدیم (و به همان صورت در آمده ایم که اراده فرموده‌ای). در این آیه‌ی مبارکه به چند موضوع مهم علمی و تئوریک اشاره شده است:

۱- در آغاز آفرینش، کرات آسمانی دودی شکل یا چیزی شبیه به آن بوده است که فرضیه اصل سحابی بودن گازهای لاپلاس دانشمند بزرگ فرانسوی نیز مؤید آن است.

۲- علامه طنطاوی، در معنی «اتتیا» می‌گوید:

«والاتیان بمعنی الحركة» یعنی خداوند به هنگام خلقت کرات و آمادگی آنها برای حرکت. به آنها فرمان می‌دهد که حرکت کنند و آسمانها و زمین با زبان تکوینی پاسخ می‌دهند که فرمان پروردگار را می‌پذیریم.

۳- نوع حرکت کرات، حرکت منظم بر طبق اراده و مشیت الهی و پذیرفتن قوانین تکوینی کائنات است.

و در این حرکت هیچ نوع سهل انگاری و سستی وجود ندارد. گرچه بعضی از مفسران بزرگ «اتینا» را به پذیرفتن قوانین تقدیری و میل به سوی کمال تعبیر کرده‌اند ولی از چگونگی آیه و نحوه‌ی امر الهی، معنای آن، هم قبول قوانین تکوینی الهی است و هم حرکت کرات آسمانی و زمین.

قرآن به ما می‌گوید: جهان شنوا و بینا و مدرک است و پدیده‌ها و عناصر صامت در اندرون خود، از نوعی احساس و شعور و

۱- القم ۴۹ «اناکل شی خلقناه بقدر» بدرستی ما هر چیزی (پدیده‌ای) را به اندازه آفریدیم.

۲- فصلت ۱۱

اسلام دین راستین و بهین
فرمان آسمانی است که
بشورایه تفکر درباره‌ی
عظمت خداوند و آیات
آفاقی و انفسی در پهنی
خلقت کائنات و جهان
آنسوی و اینسوی تشریح
می‌کند.

انسان از هر دو کائنات عالم
و قرآن به دانش بشری
می‌افزاید و دانش جز
شناخت معرفتی جهان
نیست.

مسلمانان تا زمانی که در
راه کسب دانش و فراگیری
فنون کوشش کردند،
توانستند امپراطوری
بزرگ اسلامی را تشکیل
دهند و تا اسپانیا و قلب
اروپا پیشروی کنند.

می‌کرد.

«و حشر لسلیمان من الجن و الانس و الطیر فهم
یوزعون»^(۱)

- و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان تحت
فرمان رئیس خود در رکابش حاضر آمدند (گرد آورده
شدند).

و با همدس سخن می‌گوید: «و قال یا ایها الناس علمنا
منطق الطیر»^(۲) - سلیمان گفت: ای مردم زبان پرندگان
به ما آموخته شد -

و زبان مورچه را می‌فهمد و مورچه‌ها با هم حرف
می‌زنند. و جالب تر این که مورچه‌ای به مورچه‌گان
می‌گوید: «یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحظمنکم
سلیمان و جنوده» - ای مورچه‌گان! به لانه هایتان داخل
شوید (مواظب باشید که) سلیمان و لشکریانش شما را
زیر پا له نکنند.

زبان تکوینی قرآن به ما می‌گوید که مورچه خطر لشکر
سلیمان نبی را تشخیص می‌دهد و سلیمان را می‌شناسد
و از شکوه و عظمت او اطلاع دارد.

هدهد پیام سلیمان را به بلقیس ملکه‌ی سبا می‌رساند و
در بازگشت از قصر افسانه‌ای ملکه، با سلیمان سخن
می‌گوید و او را از احوال مردم سبا، و اعتقادات ملکه
و پیروانش باخبر می‌سازد.^(۳)

شگفت انگیز است که ما مسلمانان از جلوه‌های دیگر
علمی قرآن سخن می‌گوییم و به تشریح و تبیین آنها
می‌پردازیم ولی به هنگام روبرو شدن با آیات سوره‌ی
مبارکه‌ی نمل به سادگی از آنها می‌گذریم؛ گویا ترس
از اتهام معاندان و روشنفکران بازاری و نمایشی ما را
از بحث و گفتگو و اندیشیدن و شرح و بسط درباره‌ی
اینگونه آیات باز می‌دارد!

در حالی که حقیقت موضوع بالاتر از این فرضیات
است؛ علوم تجربی و آکادمیک باید قدمی فراتر نهند و
در بحث پاراسایکولوژی و روح شناسی (به معنای
مصطلح آن نه شناخت ماهوی) و اسپریتسم در گستره
دیگری نظر دهند و حالات ادراک سلیمان و مورچه را

نیز در برنامه‌ی کار خود بگنجانند.

امروزه دانشمندی مانند مورس مترلینگ فیلسوف و
نویسنده معاصر بلژیکی درباره‌ی نحوه‌ی زندگانی
موریانه، مورچه و زنبور عسل، با کمال اخلاص به
تحقیق و تفحص نظری و عملی می‌پردازد و رازهای
را بر ملا می‌کند که دنیای قرن ماشینی را با عظمت و
شکوهمندی قرآن، آشنا می‌نماید. در درون آدمی
غوغا است و خداوند در قرآن وعده می‌دهد که انسانها
را در شناخت آیات آفاقی و انفسی یاری خواهد کرد:

«سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم
انه الحق»^(۴) - آیاتمان را در کرانه‌های جهان و
نفسهایشان به آنان می‌نمایانیم تا برایشان روشن شود که
خداوند حق است -

اگر علم تجربی به ما می‌گوید که «سلول» حیات
ندارد.^(۵)

و هنگامی که سلولها در کنار هم قرار می‌گیرند دارای
حیات می‌شوند.
لازم است که کاوشگران در این زمینه به زبان قرآن
بیشتر توجه کنند تا معلوم شود که آیا حیات همانست
که بیولوژیستهای می‌گویند؟! یا برای آن تعریفی دیگر
هست! اگر قرآن اشیا و پدیده‌ها را ستایشگر خداوند
می‌داند، نحوه‌ی ستایش پدیده و شیء چیست؟!
آیا پذیرفتن نظام خلقتی عالم، و در مدار وجود قرار
گرفتن زبان حمد و ستایش است؟

اگر چنین است «شما تسبیحشان را درک نمی‌کنید» چه
معنایی دارد؟!
«و ان من شی الا یسیح بحمده و لکن لا تفقهون
تسبیحهم»^(۶)

۱- نمل ۱۶

۲- نمل ۱۷

۳- فصلت ۵۳

۴- نمل ۲۲-۲۳-۲۴

۵- در یکی از جلسات انجمن ادبی یاران مشتاق در کرمانشاه
که اینجانب راجع به علمی بودن قرآن سخن می‌گفتم دوست
دانشمندم جناب آقای دکتر خرازی استاد بیوشیمی دانشگاه
رازی مرده بودن سلول را مطرح کرد و بنده هم به شیوه‌ی متن به
او پاسخ دادم.

۶- اسرا ۴۴

می‌گوید: خداوند، عالم، علیم و علام است و از همه‌ی خصوصیات و پدیده‌های عالم خلقت از حرکت الکترون تا تسبیح ذرات، از نیایش رعد^(۳) و ملائکه تا عوالم مختلف جهان بی پایان و ویژگیهای عالم لاهوت و ناسوت آگاه است و خود، آنها و قوانین حاکم بر نظامهای تکوینیشان را آفریده است.

علم قرآنی، علم اتّصالی به مرکز فیض وجود الهی است که انسان را از جهاتی به عوالم معنوی ذات خداوند، نزدیک می‌کند و این نزدیکی بر مبنای قرب و بعد زمانی و مکانی و از نوع اتّصال ماده به ماده نیست بلکه دریافت امواج لطف و عنایت خالق هستی است که وجود آدمی را فرا می‌گیرد و دلها را صیقلی می‌بخشد.

از جهتی دیگر خداوند با نازل کردن آیات احکام و تشریحی و هدایت کردن انسان به سوی دریافت معرفت و ادراک علمی پدیده‌های گوناگون جهان خلقت، آدمی را به اقیانوس موج کلام خویش آشنا کرده است و حوزه‌ی اندیشه و تفهیم و تفهّم در قرآن چنان وسیع است که انسان را با هر نوع فهم و سلیقه‌ای که دارد، از تشنگی نجات می‌دهد و او را با زبان خود آشنا می‌کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

ادامه دارد...

هیچ شیء و پدیده‌ای نیست مگر این که خداوند را تسبیح و ثنا می‌گوید ولی شما تسبیحشان را ادراک نمی‌کنید.

قرآن با زبان تکوینی از دانشمندان مسلمان می‌خواهد که با کوششها و زحمات فراوان راز و کلید این معما را بیابند.

و با تحقیق‌ها و تتبع‌ها در زمینه‌های زیستی حیوانات به ویژه پرندگان، و چگونگی حرکت الکترون در درون هسته‌ی اتم، پرده‌ی اسرارآمیز زبان تسبیح تکوینی جمادات و حیوانات را کنار زنند، هر چند که نتوانند در این موارد، موفقیت‌های نمایانی را به دست آورند.

خدای یکتا، آیات و نشانه‌هایش را به دو صورت محسوس و ملموس با جهان و قرآن (و کتابهای دیگر آسمانی) در اختیار بشر قرار داده است.

همچنانکه همه‌ی مظاهر و پدیده‌های جهان هستی با تمام قوانین و مقررات آفرینش، آیات خداوندند و بر هستی آفریننده‌ی مطلق گواهی می‌دهند، جملات و کلمات و عبارات قرآن نیز آیات و نشانه‌های عظمت و جلال و علم و قدرت الهی‌اند.

و انسان از هر دو کانال عالم و قرآن به دانش بشری می‌افزاید و دانش جز شناخت معرفتی جهان نیست.

قرآن درباره‌ی علم به تشریح و تفصیل می‌پردازد و اولین سوره‌اش که بر پیامبر صلوات الله علیه و آله و صحبه و سلم نازل شده است، آن حضرت را به خواندن دستور می‌دهد و می‌گوید: «اقرا باسم ربك الذی خلق * خلق الانسان من علق * اقرا و ربك الاکرم الذی علم بالقلم * علم الانسان ما لم یعلم»^(۱). بخوان به نام پروردگارت که (جهان) را آفرید و انسان را از خون بسته^(۲) خلق کرد. بخوان به نام پروردگار بخشنده و گرامیت که با قلم به انسان آموخت و به انسان یاد داد آنچه را که نمی‌دانست، کنستانت و رژیل گیورگیو شرق شناس غربی در کتاب (محمد پیغمبری که از نو باید شناخت) می‌گوید: باید به مسلمانان تبریک گفت زیرا اولین کلمه‌ای که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد «بخوان» بوده است.

مسلمانان تا زمانی که در راه کسب دانش و فراگیری فنون کوشش کردند، توانستند امپراطوری بزرگ اسلامی را تشکیل دهند و تا اسپانیا و قلب اروپا پیشروی کنند. قرآن به ما

۱- علق ۱-۲-۳-۴-۵

۲- در معنای علق و جوه دیگری آمده است از قبیل علاقه، مقداری از گل چسبنده، هر چند آویخته، زالو که واحدش «علقه» است.

۳- رعد: ۱۳ «و یسیح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته» رعد و ملائکه از ترس او (خدا) او را حمد و نیایش می‌کنند.